



Strategies for the Convergence of Shi'ism with Other Islamic Schools in West Africa and Their Capacity for Mahdawi Ummah-Building*

Jalal Rizaneh¹

Seyed Mohammad Ahmadi²

1. Assistant Professor, Department of Futures Studies of Religion and Religiosity, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran (**Corresponding Author**).

j.rizaneh@isca.ac.ir

2. PhD Graduate in Islamic Denominations (Kalāmi Schools), Faculty of Islamic Denominations, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.

ahmadim451@gmail.com

Abstract

In recent decades, Shi'ism in West Africa, within the complex context of its interaction with Sunnism and Sufism, has faced the challenge of "how to achieve religious convergence without negating sectarian identity." On the other hand, the Mahdist discourse of *Ummah*-building emphasizes the formation of a unified, just, and synergistic society among Muslims. This paper, employing an analytical-descriptive approach, examines strategies for the convergence of Shi'ism with other denominations in West Africa and elucidates their potential in the process of Mahdist *Ummah*-building. The research method is

* Rizaneh, J., & Ahmadi, S. M. (2025). Strategies for the Convergence of Shi'ism with Other Islamic Schools in West Africa and Their Capacity for Mahdawi Ummah-Building. *Mahdavi Society*, 6(2), pp. 70-99.

<https://doi.org/10.22081/jm.2026.74709.1139>

□ **Type of article:** Research Article * **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy

□ **Received:** 2025/02/03 • **Revised:** 2025/04/19 • **Accepted:** 2025/06/22 • **Available Online:** 2025/09/23

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



qualitative, based on a Grounded Theory approach, with data collected through semi-structured interviews with religious elites and activists in West Africa, analyzed through three stages of coding. The findings indicate that convergence strategies are organized into three primary dimensions: “systematic structure of the Shiite community,” “inter-denominational interactions,” and “denominational synergy,” encompassing eight categories: “leadership and Marja’iyya (authority),” “developmental talents,” “inter-denominational participation,” “crisis management,” “remediation of harms,” “Islamic unity,” “Quranic and joint propagation,” and “religious diplomacy.” A Mahdist analysis of this model suggests that strengthening efficient religious authority, fostering joint socio-cultural participation, utilizing indigenous crisis management, emphasizing shared theological foundations, and engaging in proactive media and diplomatic efforts can reinforce the identity of a unified *Ummah*, mitigate sectarian conflicts, and enhance synergy among Shiites, Sunnis, and Sufi currents in West Africa. Consequently, if the identified religious convergence strategies are consciously reinterpreted within the framework of the Mahdist *Ummah*-building ideal, they have the potential to be presented as a field model for managing religious diversity across the Islamic world.

Keywords

Religious convergence, Shi’ism, Sunnism, Sufism, West Africa, Mahdist *Ummah*-building, Religious diplomacy.



راهبردهای هم‌گرایی تشیع با دیگر مذاهب در غرب آفریقا

و ظرفیت آن‌ها در امت‌سازی مهدوی *

جلال ریزانه^۱ ID سید محمد احمدی^۲ ID

۱. استادیار، گروه آینده‌پژوهی دین و دین‌داری، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).

j.rizaneh@isca.ac.ir

۲. دکتری مذاهب کلامی، دانشکده مذاهب اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

ahmadim451@gmail.com

چکیده

تشیع در غرب آفریقا در دهه‌های اخیر، در بستر تعامل پیچیده با اهل سنت و تصوف، با مسئله «چگونگی هم‌گرایی مذهبی بدون نفی هویت اعتقادی» روبه‌روست. از سوی دیگر، گفتمان امت‌سازی مهدوی بر شکل‌دهی جامعه‌ای واحد، عادل و هم‌افزا در میان مسلمانان تأکید دارد. این مقاله با رویکردی تحلیلی – توصیفی، به بررسی راهبردهای هم‌گرایی تشیع با دیگر مذاهب در غرب آفریقا و تبیین ظرفیت آن‌ها در فرایند امت‌سازی مهدوی می‌پردازد. روش تحقیق در مقاله، کیفی و مبتنی بر رویکرد داده‌بنیاد است و داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساخت یافته با نخبگان و فعالان مذهبی در غرب آفریقا، گردآوری و در سه مرحله کدگذاری تحلیل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که راهبردهای هم‌گرایی در سه بعد اصلی «ساختار نظام‌مند جامعه تشیع»، «تعاملات مذاهب» و «هم‌افزایی مذاهب»، و هشت مقوله «رهبریت و مرجعیت»، «استعدادهای توسعه‌ای»، «مشارکت مذاهب»، «مدیریت بحران»، «درمان آسیب‌ها»، «وحدت

* ریزانه، جلال؛ احمدی، سید محمد. (۱۴۰۴). راهبردهای هم‌گرایی تشیع با دیگر مذاهب در غرب آفریقا و ظرفیت آن‌ها در امت‌سازی مهدوی. جامعه مهدوی، ۶(۲)، صص ۷۰-۹۹.

<https://doi.org/10.22081/jm.2026.74709.1139>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۱/۳۰ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

© ۲۰۲۵ «نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند»



اسلامی»، «تبلیغ قرآنی و مشترک» و «دیپلماسی مذهبی» سامان می‌یابد. تحلیل مهدوی این الگو حاکی از آن است که تقویت مرجعیت دینی کارآمد، مشارکت اجتماعی و فرهنگی مشترک، مدیریت بومی بحران‌ها، تأکید بر مشترکات اعتقادی، و کنش فعال رسانه‌ای و دیپلماتیک، می‌تواند به تقویت هویت امت واحده، کاهش منازعات فرقه‌ای و افزایش هم‌افزایی میان شیعیان، اهل سنت و جریان‌های صوفی در غرب آفریقا بینجامد. نتیجه آنکه، راهبردهای هم‌گرایی مذهبی شناسایی شده، در صورت بازخوانی آگاهانه در چارچوب آرمان امت‌سازی مهدوی، قابلیت ارائه در قالب یک الگوی میدانی برای مدیریت تنوع مذهبی در جهان اسلام را داراست.

کلیدواژه‌ها

هم‌گرایی مذهبی، تشیع، اهل سنت، تصوف، غرب آفریقا، امت‌سازی مهدوی، دیپلماسی مذهبی.

مقدمه

تشیع در غرب آفریقا طی دهه‌های اخیر، به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، وارد مرحله‌ای نو از حضور و کنشگری مذهبی و اجتماعی شده است. افزایش اعتمادبه‌نفس دینی و هویتی در میان شیعیان، گسترش نهادهای آموزشی و فرهنگی وابسته به تشیع و تبدیل شدن آن به جریانی پویا و اثرگذار در کنار دیگر جریان‌های اسلامی، از مهم‌ترین تحولات این دوره به شمار می‌رود. این تحول در بستری رخ داده است که ساختار مذهبی آن متکثر است و در آن، اکثریت جمعیت مسلمان را اهل سنت تشکیل می‌دهند و جریان‌های ریشه‌دار تصوف نیز نقش مهمی در حیات دینی جوامع ایفا می‌کنند. در کنار این دو جریان، حضور گروه‌های سلفی و وهابی نیز در سال‌های اخیر به افزایش رقابت‌های مذهبی در این منطقه انجامیده است. در چنین شرایطی، گسترش تشیع در کنار دیگر مذاهب اسلامی، مسئله‌ی چگونگی تنظیم روابط میان مذاهب و مدیریت تعاملات مذهبی را به یکی از مسائل مهم اجتماعی و دینی در غرب آفریقا تبدیل کرده است.

هم‌زمان با گسترش فعالیت‌های شیعیان در این منطقه، واکنش‌های مختلفی نیز از سوی برخی جریان‌های رقیب شکل گرفته است. بخشی از این واکنش‌ها، در قالب رقابت‌های مذهبی و رسانه‌ای، و در مواردی، در قالب تنش‌های اجتماعی و امنیتی بروز یافته است؛ از این‌رو استمرار حضور فعال تشیع در غرب آفریقا، مستلزم اتخاذ راهبردهایی است که از یک سو، هویت اعتقادی شیعیان را حفظ کند و از سوی دیگر، زمینه‌ی همزیستی و تعامل سازنده با دیگر مذاهب اسلامی را فراهم آورد. تجربه‌ی تاریخی همزیستی مسلمانان در بسیاری از کشورهای غرب آفریقا مانند نیجریه، سنگال، مالی، ساحل عاج و غنا نشان می‌دهد که علی‌رغم وجود اختلافات اعتقادی، امکان شکل‌گیری روابط مبتنی بر همکاری، گفت‌وگو و مشارکت میان مذاهب وجود دارد. با این حال، در ادبیات پژوهشی موجود، بیشتر به توصیف وضعیت مذاهب یا بررسی تعاملات مذهبی پرداخته شده و الگوی منسجمی برای تبیین راهبردهای هم‌گرایی میان مذاهب اسلامی در این منطقه، کمتر ارائه شده است.

در سطحی کلان‌تر، در گفتمان اندیشه اسلامی، ایده «امت واحده» و افق «امت‌سازی مهدوی» بر ضرورت تقویت هم‌بستگی میان مسلمانان و عبور از تعارض‌های فرقه‌ای تأکید دارد. تحقق چنین افقی مستلزم شکل‌گیری سازوکارهایی است که بتوانند در جوامع چندمذهبی، تنوع مذهبی را مدیریت کنند و زمینه همکاری و هم‌افزایی میان مذاهب اسلامی را فراهم سازند. با وجود این، در بخش مهمی از پژوهش‌های مربوط به هم‌گرایی مذهبی، نسبت این راهبردها با فرایند امت‌سازی مهدوی به‌طور مشخص مورد بررسی قرار نگرفته و پیوند میان تجربه‌های میدانی هم‌گرایی مذهبی با افق نظری جامعه مهدوی کمتر تبیین شده است؛ از این‌رو بررسی ظرفیت‌های هم‌گرایی مذهبی در میدان‌های واقعی جهان اسلام می‌تواند به فهم عملی‌تر فرایند شکل‌گیری امت اسلامی هم‌گرا با آرمان‌های مهدوی کمک کند.

براین اساس، مسئله اصلی مقاله حاضر نه تنها بررسی هم‌گرایی مذاهب، بلکه تبیین کارکرد راهبردهای هم‌گرایی مذهبی در شکل‌گیری امت اسلامی هم‌گرا با آرمان‌های مهدوی است. در این چارچوب، این مقاله با بهره‌گیری از یافته‌های پژوهش کیفی مبتنی بر رویکرد داده‌بنیاد درباره وضعیت تشیع در غرب آفریقا، می‌کوشد ظرفیت‌های راهبردهای هم‌گرایی مذهبی را در فرایند امت‌سازی مهدوی تحلیل کند. براین اساس، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که راهبردهای هم‌گرایی تشیع با دیگر مذاهب در غرب آفریقا، چگونه می‌تواند در فرایند امت‌سازی مهدوی کارکرد داشته باشد؟ همچنین پرسش فرعی پژوهش این است که مدل استخراج‌شده از راهبردهای هم‌گرایی مذهبی چه ظرفیت‌هایی برای تحقق مؤلفه‌های جامعه مهدوی در جوامع چندمذهبی دارد؟

در پاسخ به این پرسش‌ها، پژوهشگر با بهره‌گیری از یافته‌های پژوهش میدانی مبتنی بر روش داده‌بنیاد، مدل سه‌سطحی شامل «ساختار جامعه تشیع»، «تعاملات مذاهب» و «هم‌افزایی مذاهب» را مورد تحلیل قرار می‌دهد و ظرفیت‌های آن را در تقویت هم‌گرایی اسلامی و نزدیک شدن به افق امت واحده و جامعه مهدوی بررسی می‌کند. در بررسی پیشینه نظری و تجربی مرتبط با هم‌گرایی تشیع با دیگر مذاهب در غرب

آفریقا، مجموعه‌ای از منابع کتابخانه‌ای و مقالات علمی، قابل تفکیک در چند محور اصلی است:

از منظر تاریخی و تمدنی، آثار لاپیدوس^۱ (۱۳۸۷)، هیسکت^۲ (۱۳۶۹)، کوک^۳ (۱۳۷۳) و همچنین لویتریون و پولز^۴ (۱۳۹۶) روند ورود و گسترش اسلام در قاره آفریقا، شکل‌گیری دولت‌ها و حکومت‌های اسلامی و نیز تطور فرقه‌ها و طریقت‌های اسلامی را بررسی کرده‌اند. این منابع، بستر تاریخی و جغرافیایی شکل‌گیری جوامع مسلمان، از جمله غرب آفریقا را تبیین می‌کنند و برای فهم زمینه‌های کلی همزیستی و تعامل مذهبی، نقش زیربنایی دارند.

در سطح اجتماعی - دینی، مبتنی (۱۳۸۳) به ساختار باورها و سنت‌های دینی و قومی در آفریقا پرداخته و نشان داده است که چگونه فرهنگ دینی و آیینی این جوامع ظرفیت قابل توجهی برای پذیرش اسلام و سپس گرایش به اهل بیت علیهم‌السلام داشته است. در همین راستا، مرتضی (۱۳۸۶) بر روحیه صلح‌جویی، گرایش به اهل بیت علیهم‌السلام و دفاع از حریم ایشان در میان مردم آفریقا تأکید می‌کند که به‌طور مستقیم با ظرفیت‌های هم‌گرایی شیعیان و دیگر مذاهب پیوند می‌خورد.

در خصوص تشیع و وضعیت شیعیان در آفریقا، چند اثر نقش محوری دارند: اتحاد علماء (۲۰۱۱) که با رویکرد رصد و نقد فعالیت‌های شیعی، به معرفی مراکز، شخصیت‌ها و شبکه‌های شیعی در آفریقا می‌پردازد و تصویر رقبای شیعه از این حضور را بازتاب می‌دهد. سیدمرادی (۱۳۹۹) که تصویری کلی و توصیفی از روند ورود و گسترش تشیع و وضعیت شیعیان بومی و مهاجر ارائه می‌کند. هاشمی‌نسب (بی‌تا) که با رویکرد آینده‌پژوهانه، روندها و متغیرهای مؤثر بر آینده شیعیان غرب آفریقا را تحلیل می‌کند. این سه دسته منبع، به ترتیب، نگاه رقیب، نگاه توصیفی - درونی و نگاه

1. Lapidus

2. Hiskett

3. Cook

4. Levtzion & Pouwels

آینده پژوهانه به تشیع در آفریقا را در اختیار پژوهش حاضر می‌گذارند. مطالعه دانشگاهی در ترکیه نشان می‌دهد که سفرهای حج چگونه به ارتباط زائران آفریقایی با جوامع مختلف و گسترش اسلام در میان آنان انجامیده است. این پژوهش با استفاده از منابع تاریخی، سفرنامه‌ها و تحقیقات تخصصی، تأکید می‌کند که زائران غرب آفریقا در مسیر طولانی خود به حجاز، با جوامع گوناگونی مواجه می‌شدند و همین تعاملات، به آشنایی آنان با اسلام می‌انجامید. همچنین، احترام ویژه‌ای که بسیاری از قبایل آفریقایی برای زائران حج قائل بودند، سبب می‌شد حجاج بازگشته، نقشی مؤثر در اصلاح و ترویج اسلام در جوامع خود ایفا کنند. این سازوکار تاریخی برای فهم پیوندهای فراملی و شبکه‌سازی‌های مذهبی در منطقه دارای اهمیت است (Yavuz, 2025).

در حوزه مقالات علمی، هاشمی‌نسب و همکاران (۱۳۹۰) تصوف را به مثابه ظرفیتی مهم برای تعامل و هم‌گرایی با تشیع معرفی کرده و نشان داده است که چگونه پیوندهای معنوی و محبت به اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌تواند در خنثی‌سازی فعالیت‌های ضدشیعی جریان‌های تندرو (نظیر وهابیت) مؤثر باشد. پورطاهری (۱۳۸۸) با رویکردی کلان‌تر، ظرفیت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورهای آفریقایی را اولویت‌بندی می‌کند و از این جهت، درک محیط کلان تصمیم‌گیری و تعاملات بین‌المللی در قاره را تسهیل می‌نماید. حاتمی (۱۳۹۰) نیز با تمرکز بر چالش‌های گسترش اسلام در آفریقا، به عوامل فرهنگی، اجتماعی و شیوه‌های تبلیغی اسلام و مسیحیت می‌پردازد و بر ضرورت سازمان‌دهی فعالیت‌های مشترک برای مقابله با آسیب‌ها تأکید می‌کند. این یافته‌ها برای طراحی راهبردهای هم‌گرایی مذهبی در غرب آفریقا قابل استفاده است. حسینی (۱۳۹۱) به‌طور خاص به شیعیان آفریقا، فرصت‌ها و چالش‌های حضور آنان، و نیز تقسیم‌بندی منطقه‌ای شیعیان (شمال، غرب، شرق و جنوب) می‌پردازد و از این طریق، تصویر نسبتاً دقیقی از موقعیت شیعیان غرب آفریقا در میان دیگر مناطق ارائه می‌کند.

برایند این پیشینه نشان می‌دهد که اگرچه بخش قابل توجهی از منابع موجود به

بررسی تاریخی گسترش اسلام در آفریقا، شکل‌گیری ساختارهای دینی و نیز وضعیت و روندهای مربوط به حضور تشیع در این قاره پرداخته‌اند، اما پژوهش‌هایی که به‌طور مشخص به «راهبردهای هم‌گرایی تشیع با دیگر مذاهب در غرب آفریقا» و به‌ویژه ظرفیت این راهبردها در فرایند امت‌سازی اسلامی با رویکرد مهدوی توجه کرده باشند، محدود است. بیشتر آثار موجود یا به بیان کلیات تاریخی و اجتماعی گسترش اسلام و تشیع در آفریقا اختصاص یافته‌اند یا تنها به توصیف وضعیت شیعیان و روندهای مذهبی در این منطقه پرداخته‌اند؛ از این رو مقاله حاضر با تمرکز بر شناسایی و تحلیل راهبردهای عملی هم‌گرایی میان شیعه و دیگر مذاهب در غرب آفریقا و تبیین ظرفیت‌های این راهبردها در تقویت همبستگی اسلامی و شکل‌گیری مؤلفه‌های امت واحده در افق جامعه مهدوی، می‌کوشد بخشی از این خلأ پژوهشی را در سطح تحلیلی و کاربردی پوشش دهد.

در این پژوهش، از روش کیفی با رویکرد نظریه داده‌بنیاد استفاده شده است. در پژوهش‌های کیفی، فرایند تحلیل داده‌ها اغلب ماهیتی تفسیری دارد و پژوهشگر از طریق تعامل مستمر با داده‌ها، به استخراج مفاهیم و مقولات می‌پردازد (Strauss & Corbin, 1998; Creswell & Poth, 2018; Charmaz, 2014).

جدول شماره ۱: الگوی مدل پیاز پژوهش در روش تحقیق

مشخصات پژوهش حاضر	لایه‌های پژوهش
توسعه‌ای	جهت‌گیری پژوهش
کیفی	روش پژوهش
تفسیری	فلسفه پژوهش
نظریه داده‌بنیاد	استراتژی پژوهش
استقرایی	رویکرد پژوهش
اکتشافی	هدف پژوهش
تک‌مقطعی	افق زمانی پژوهش

در این رویکرد، تلاش می‌شود الگوی مفهومی پژوهش نه براساس فرضیه‌های ازپیش‌تعیین‌شده، بلکه از دل داده‌های میدانی و نتایج مصاحبه‌های صورت گرفته، استخراج شود. چارچوب تحلیل داده‌ها براساس الگوی سه‌مرحله‌ای کدگذاری شامل کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شده که در نهایت، به استخراج الگوی راهبردهای هم‌گرایی مذهبی انجامیده است. داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته با ۲۲ نفر از نخبگان و کنشگران مذهبی مرتبط با تشیع و دیگر مذاهب در غرب آفریقا تا حد تحقق اشباع نظری گردآوری شده است. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و با روش گلوله‌برفی انجام شده و فرایند گردآوری داده‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافته است. تحلیل داده‌ها در سه مرحله کدگذاری انجام شد که در نتیجه آن، ۹۹۰ کد اولیه، ۳۱ کد باز، ۸ کد محوری و ۳ کد انتخابی اصلی شامل «ساختار جامعه تشیع»، «تعاملات مذاهب» و «هم‌افزایی مذاهب» استخراج شد و الگوی نهایی راهبردهای هم‌گرایی مذهبی در غرب آفریقا شکل گرفت.

برای تقویت اعتبار یافته‌ها، از مقایسه مستمر داده‌ها، بازبینی برخی مضامین توسط مصاحبه‌شوندگان و استفاده هم‌زمان از منابع اسنادی در کنار داده‌های میدانی بهره گرفته شده است.

یافته‌های این پژوهش براساس تحلیل داده‌های میدانی با روش نظریه داده‌بنیاد، در قالب ۳ طبقه اصلی، ۸ مقوله محوری و ۳۱ مفهوم، صورت‌بندی شده و در نهایت، در قالب پدیده هسته‌ای، «مدل هم‌گرایی تشیع و دیگر مذاهب در غرب آفریقا» تبیین گردیده است.

۱. مباحث نظری

۱-۱. اسلام و تنوع دینی در آفریقا

آفریقا از کانون‌های مهم گسترش اسلام در جهان معاصر است. براساس گزارش‌های تاریخی، اسلام از دو مسیر اصلی وارد این قاره شد: از شمال، از طریق مصر و مغرب عربی، و از شرق، از طریق سواحل اقیانوس هند، و سپس در سه جهت «شرق ساحلی»،

«سودان» و «غرب آفریقا» گسترش یافت (لویتزیون و پولز، ۱۳۹۶). غرب آفریقا به مثابه یکی از این سه حوزه اصلی، از دیرباز محل تلاقی و همزیستی جریان‌های مختلف اسلامی در کنار باورها و سنت‌های بومی آفریقایی بوده است. همان‌گونه که در ادبیات اندیشه دینی آفریقا گزارش شده، هویت دینی در این قاره به‌طور عام و در غرب آفریقا به‌طور خاص، با ساختارهای قومی، آیینی و زیست روزمره مردم آمیخته است؛ به گونه‌ای که دین در این بستر، تفکیک‌ناپذیر از فرهنگ و جامعه تعریف می‌شود (میتی، ۱۳۸۳). این درهم‌تنیدگی دین و فرهنگ سبب می‌شود تحلیل روابط مذهبی در این منطقه، همواره در پیوند با ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مورد توجه قرار گیرد.

۲-۱. غرب آفریقا به مثابه بستر هم‌گرایی و واگرایی مذهبی

امروز، غرب آفریقا از مهم‌ترین کانون‌های حضور و فعالیت جریان‌های متنوع اسلامی است؛ از اهل سنت مالکی و حنفی تا طریقت‌های صوفی ریشه‌دار و نیز جریان‌های سلفی و وهابی. در عین حال، این منطقه در دهه‌های اخیر به یکی از عرصه‌های اصلی ظهور و گسترش تشیع نیز تبدیل شده است. در چنین بستری، امکان همزیستی و هم‌گرایی مذاهب در کنار خطر واگرایی و تعارض فرقه‌ای همواره وجود دارد. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که برای مواجهه با مسائل فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و اجتماعی جوامع مسلمان در آفریقا، ایجاد سازمان‌ها و نهادهای مشترک میان مذاهب اسلامی، ضرورتی راهبردی است؛ زیرا بدون این سازمان‌یابی مشترک، ظرفیت‌های ناشی از تنوع مذهبی می‌تواند به تعارض و ائتلاف منابع بینجامد (Hatami, 2011, p. 110).

۳-۱. تشیع در غرب آفریقا: فرصت‌ها و چالش‌ها

مطالعات موجود، حضور شیعیان در آفریقا را در قالب چند منطقه نسبتاً متمایز بررسی کرده‌اند؛ به گونه‌ای که شیعیان شمال، غرب، شرق، جنوب شرقی و جنوب قاره، هر کدام در بسترهای فرهنگی و سیاسی خاصی فعالیت دارند و شرایط متفاوتی را تجربه

می‌کنند (Hosseini, 2012, p. 36). در این میان، غرب آفریقا به سبب ترکیب خاصی از اکثریت اهل سنت، حضور گسترده طریقت‌های صوفی و نفوذ جریان‌های وهابی و سلفی، برای تشیع، هم فرصت‌هایی قابل توجه و هم چالش‌هایی جدی ایجاد کرده است. از یک سو، گسترش نهادهای شیعی، تربیت نخبگان دینی و شکل‌گیری هویت فعال در میان شیعیان، امکان کنشگری فرهنگی و اجتماعی را فراهم کرده است؛ و از سوی دیگر، فعالیت‌های ضدشیعی جریان‌های وهابی و سلفی و نیز سوءبرداشت‌های رسانه‌ای، خطر تنش و واگرایی مذهبی را افزایش داده است.

۴-۱. تصوف به مثابه ظرفیت هم‌گرایی

در میان جریان‌های اسلامی غرب آفریقا، تصوف از مهم‌ترین ظرفیت‌های هم‌گرایی مذهبی به شمار می‌رود. برخی پژوهش‌ها تصوف را دارای ظرفیت بالا برای ایجاد ارتباط و تعامل با تشیع در این منطقه دانسته‌اند. با توجه به فعالیت‌های ضدشیعی جریان وهابیت، تصوف می‌تواند به مثابه سپری فرهنگی و اجتماعی عمل کند و از گسترش گفتمان‌های تکفیری جلوگیری نماید (Murtaza, 2023). تأکید بر عناصر مشترکی همچون محبت اهل بیت (علیهم‌السلام)، معنویت دینی و سلوک اخلاقی، از جمله نقاط اتصال میان تشیع و بسیاری از طریقت‌های صوفی در غرب آفریقا است؛ از این رو تقویت ارتباط میان تشیع و جریان‌های صوفی می‌تواند از راهبردهای مهم در ایجاد هم‌گرایی مذهبی در منطقه غرب آفریقا تلقی شود (Umar & Woodward, 2020).

۵-۱. وهابیت به مثابه عامل واگرایی مذهبی

در مقابل ظرفیت‌های هم‌گرایانه موجود، ادبیات پژوهش به نقش جریان‌های وهابی و برخی گروه‌های سلفی جهادی به مثابه یکی از عوامل مهم واگرایی مذهبی در غرب آفریقا اشاره می‌کند. فعالیت‌های تبلیغی و رسانه‌ای این جریان‌ها علیه تشیع، در برخی موارد به تشدید سوءظن‌ها و تنش‌های مذهبی در میان جوامع مسلمان انجامیده است (احمدی، ۱۴۰۲، صص ۳۰-۳۱). در چنین شرایطی، طراحی راهبردهای هم‌گرایی مذهبی بدون

توجه به این عامل واگرا، و بدون ایجاد سازوکارهای مشترک میان مذاهب اسلامی نمی‌تواند به نتایج پایدار منجر شود؛ از این رو برخی پژوهش‌ها بر ضرورت شکل‌گیری نهادها و سازمان‌های مشترک میان مذاهب اسلامی برای مدیریت مسائل اجتماعی و فرهنگی تأکید کرده‌اند (حاتمی، ۱۳۹۰، ص ۳۰).

۱-۶. چارچوب نظری: امت‌سازی در اندیشه مهدوی

در اندیشه اسلامی، یکی از مفاهیم بنیادین در سامان‌دهی روابط مسلمانان، مفهوم «امت واحده» است. قرآن کریم بر وحدت جامعه مؤمنان و پرهیز از تفرقه در میان آنان تأکید کرده است. در آیه «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا» (آل عمران، ۱۰۳)، مسلمانان به تمسک جمعی به ريسمان الهی و پرهیز از تفرقه فراخوانده شده‌اند. همچنین در آیه «ان هذه امتکم امة واحدة و انا ربکم فاعبدون» (انبیاء، ۹۲)، جامعه مؤمنان به مثابه یک امت واحد معرفی شده است. افزون بر این، قرآن کریم بر پیوند برادری میان مؤمنان تأکید می‌کند و می‌فرماید: «انما المؤمنون إخوة» (حجرات، ۱۰). این آیات نشان می‌دهد که اصل وحدت و همبستگی میان مسلمانان، از اصول بنیادین در ساختار جامعه اسلامی به شمار می‌رود.

در ادبیات مهدوی نیز جامعه عصر ظهور به مثابه جامعه‌ای توصیف شده است که در آن، عدالت گسترش می‌یابد و جامعه انسانی از بسیاری از تعارض‌ها و نزاع‌های اجتماعی و مذهبی عبور می‌کند. در روایات مشترک فریقین، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «المهدی من ولد فاطمه؛ مهدی از فرزندان فاطمه است». این حدیث را ابوداوود سجستانی (۲۰۰۹م) در سنن خود از ام سلمه نقل کرده و ابن ماجه (۲۰۰۷م) نیز آن را در سنن خود روایت کرده است. همچنین حاکم نیشابوری (۱۹۹۰م) در المستدرک علی الصحیحین این حدیث را آورده و آن را صحیح دانسته، و سیوطی (۱۹۸۱م) نیز در الجامع الصغیر به نقل این روایت پرداخته است. همچنین در روایات متواتر فریقین، از جمله در سنن ابوداوود آمده است: «یملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً؛ زمین را از قسط و عدل پر می‌کند، همان‌گونه که از ظلم و جور پر شده باشد». این روایت را علاوه بر

ابوداود سجستانی (۲۰۰۹م)، ترمذی (۲۰۰۷م) در سنن خود و احمد بن حنبل (۲۰۰۱م) در مسند نقل کرده‌اند. ابن‌ابی‌شیه (۲۰۰۶م) نیز در المصنف و حاکم نیشابوری (۱۹۹۰م) در المستدرک آن را روایت کرده‌اند. متقی هندی (۱۴۱۹ق) نیز در کنز العمال به نقل این حدیث پرداخته است. افزون‌بر این، روایت «لو لم یبق من الدنیا إلا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یبعث فیہ رجلاً من أهل بیتی ...؛ اگر از دنیا جز یک روز نمانده باشد، خداوند آن روز را طولانی می‌گرداند تا مردی از اهل بیت مرا برانگیزد ...». همچنین در مصادر فریقین نقل شده است و بر حتمیت ظهور و تحقق این وعده الهی دلالت دارد. این روایت را ابوداود سجستانی (۲۰۰۹م) در سنن، ترمذی (۲۰۰۷م) در سنن و احمد بن حنبل (۲۰۰۱م) در مسند آورده‌اند. همچنین طبرانی (۱۹۸۳م) در المعجم الکبیر و ابن حبان (۱۹۹۳م) در صحیح خود آن را نقل کرده‌اند. در این افق، گسترش عدالت، تقویت همبستگی میان مؤمنان و کاهش تعارض‌های فرقه‌ای از ویژگی‌های مهم جامعه مهدوی به شمار می‌آید. از این منظر، تحقق جامعه‌ای مبتنی بر عدالت و همبستگی اسلامی، مستلزم تقویت پیوندهای درونی امت اسلامی و کاهش شکاف‌های مذهبی است.

براساس این مبانی، می‌توان چند شاخص کلی برای جامعه مهدوی برشمرد: تقویت وحدت امت اسلامی، گسترش عدالت اجتماعی، هم‌گرایی میان مذاهب اسلامی، مقاومت در برابر جریان‌های تفرقه‌افکن و توسعه معرفت دینی در میان مسلمانان. تحقق این شاخص‌ها در جوامع معاصر، نیازمند سازوکارهایی است که بتواند تنوع مذهبی را مدیریت کند و زمینه تعامل و همکاری میان مذاهب اسلامی را فراهم سازد.

از این منظر، راهبردهای هم‌گرایی مذهبی می‌تواند به مثابه یکی از سازوکارهای عملی در مسیر تقویت همبستگی امت اسلامی مورد توجه قرار گیرد. مطالعه تجربه‌های میدانی هم‌گرایی مذهبی در جوامع چندمذهبی، ازجمله در غرب آفریقا، می‌تواند نشان دهد که چگونه تعامل سازنده میان مذاهب اسلامی قادر است زمینه‌های همکاری، کاهش تعارض‌های فرقه‌ای و تقویت همبستگی اسلامی را فراهم کند؛ ازاین‌رو بررسی راهبردهای هم‌گرایی تشیع با دیگر مذاهب در غرب آفریقا، افزون‌بر اهمیت منطقه‌ای،

می تواند در فهم ظرفیت های عملی برای نزدیک شدن به افق امت واحده و جامعه مهدوی نیز نقش داشته باشد.

۲. ساختار نظام مند جامعه تشیع در غرب آفریقا

نتایج نشان می دهد که نقطه آغاز هر گونه هم گرایی بیرونی، سامان درونی جامعه تشیع است. بر این اساس، طبقه نخست با عنوان «ساختار نظام مند جامعه تشیع در غرب آفریقا» مطرح می شود که دو مقوله اساسی را در بر می گیرد: نخست، «رهبریت و مرجعیت» که نقش هدایت فکری، سازمان دهی اجتماعی و ایجاد انسجام درونی جامعه را بر عهده دارد؛ و دوم، «استعدادهای توسعه ای» که به ظرفیت ها، توانمندی ها و زمینه های بالقوه جامعه شیعی برای گسترش فعالیت های فرهنگی، اجتماعی و علمی در این منطقه اشاره دارد. این دو مقوله در مجموع، چارچوب اولیه سامان یافتگی جامعه تشیع را شکل می دهند و بستر لازم برای تحقق هم گرایی با دیگر مذاهب اسلامی را فراهم می کنند (Leichtman, 2022).

۲-۱. رهبریت و مرجعیت

داده ها در مقوله «رهبریت و مرجعیت» نشان می دهد مفاهیمی مانند رهبریت بومی، مرجعیت دینی، تربیت نخبگان و نهاد تشیع، به مثابه ستون های اصلی شکل دهنده انسجام درونی جامعه شیعی عمل می کنند. این عناصر، هم هدایت فکری و هم سازمان یافتگی نهادی را فراهم می کنند و در نتیجه، پیش شرط اثر گذاری شیعیان در میدان هم گرایی مذهبی به شمار می آیند. بر مبنای یافته ها، رهبریت بومی متصل به مرجعیت دینی و نظام مند شدن تربیت نخبگان، نقشی کلیدی در گسترش نفوذ اجتماعی تشیع و افزایش ظرفیت گفت و گو و تعامل با دیگر مذاهب دارد.

۲-۲. استعداد های توسعه ای

در مقوله «استعداد های توسعه ای»، مفاهیمی همچون توسعه تعامل و هم گرایی،

آموزش بومی، کارآفرینی و توسعه فرهنگی شناسایی شده است. این مفاهیم نشان می‌دهد که توانمندی‌های آموزشی، اقتصادی و فرهنگی جامعه شیعی، به‌طور مستقیم در تقویت قدرت چانه‌زنی، اعتمادبه‌نفس جمعی و قابلیت هم‌گرایی پایدار نقش دارد. براین اساس، هم‌گرایی بدون برخورداری از زیرساخت‌های توسعه‌ای کافی، در معرض شکنندگی و ناپایداری است و نمی‌تواند به سطح راهبردی ارتقا یابد. برای جمع‌بندی طبقه نخست، می‌توان جدول شماره ۲ را ارائه کرد:

جدول شماره ۲: بررسی طبق ساختار نظام‌مند جامعه تشیع

طبقه	مقوله	مهم‌ترین مفاهیم	دلالت راهبردی
ساختار نظام‌مند جامعه تشیع	رهبریت و مرجعیت	رهبریت بومی، مرجعیت دینی، تربیت نخبگان، نهاد تشیع	شرط لازم برای انسجام درونی و ورود مؤثر به عرصه هم‌گرایی مذهبی
	استعدادهای توسعه‌ای	توسعه تعامل و هم‌گرایی، آموزش بومی، کارآفرینی، توسعه فرهنگی	ایجاد پشتوانه آموزشی، اقتصادی و فرهنگی برای هم‌گرایی پایدار

۳. تعاملات مذاهب

طبقه دوم با عنوان «تعاملات مذاهب» سه مقوله «مشارکت مذاهب»، «مدیریت بحران» و «درمان آسیب‌ها» را در بر می‌گیرد. این طبقه، سطح میانی و عملی الگوی هم‌گرایی را شکل می‌دهد؛ جایی که تعاملات بین مذهبی از سطح گفت‌وگو فراتر می‌رود و به کنش مشترک و مدیریت تنش‌ها می‌رسد.

۳-۱. مشارکت مذاهب

یافته‌ها در مقوله «مشارکت مذاهب» نشان می‌دهد که چهار مفهوم «گفتمان انقلاب

اسلامی ایران»، «گفتمان مذاهب غرب آفریقا»، «مشارکت مذاهب» و «هم‌گرایی هوشمند» عناصر اصلی این مقوله را تشکیل می‌دهند. این مفاهیم بیانگر آن است که هم‌گرایی، زمانی معنا پیدا می‌کند که از سطح ارتباطات فردی فراتر رود و به مشارکت دینی - اجتماعی سازمان‌یافته میان شیعه، اهل سنت و جریان‌های تصوف تبدیل شود. همچنین پیوند گفتمان انقلاب اسلامی با گفتمان بومی مذاهب در غرب آفریقا می‌تواند زمینه شکل‌گیری نوعی هم‌گرایی عقلانی و راهبردی را فراهم کند؛ هم‌گرایی‌ای که بر مبنای تعامل فکری و اجتماعی شکل می‌گیرد و تنها محدود به رویکردهای احساسی یا مقطعی نیست.

۲-۳. مدیریت بحران

در مقوله «مدیریت بحران»، مفاهیمی مانند کنترل بحران‌ها، بصیرت سیاسی، مدیریت اقتصادی و مدیریت بومی شناسایی شده است. این مفاهیم نشان می‌دهد که فرایند هم‌گرایی به‌طور طبیعی با چالش‌هایی همچون فشارهای فرقه‌ای، رقابت بر سر منابع، مداخلات بیرونی و بحران‌های سیاسی و اجتماعی روبه‌رو است؛ ازاین‌رو تداوم و پایداری هم‌گرایی در گرو شکل‌گیری سازوکارهای هوشمند مدیریت بحران است؛ به‌گونه‌ای که جامعه شیعی بتواند ضمن کاهش تنش‌ها و جلوگیری از تشدید واگرایی، زمینه‌های ارتباط و همکاری با دیگر مذاهب اسلامی را حفظ و تقویت کند.

۳-۳. درمان آسیب‌ها

مقوله «درمان آسیب‌ها» شامل مفاهیمی چون آسیب‌شناسی، رویکرد اقتصادی و مدیریت علمی و فرهنگی است. نتایج نشان می‌دهد که هم‌گرایی بدون شناسایی و ترمیم موانع و شکاف‌های درونی و بیرونی - ازجمله فقر، سوءبرداشت‌های اعتقادی و ضعف‌های ساختاری و نهادی - نمی‌تواند از پایداری لازم برخوردار باشد؛ ازاین‌رو درمان آسیب‌ها به‌مثابه حلقه‌ای مکمل برای مدیریت بحران عمل می‌کند و زمینه‌گذار از تعامل حداقلی به تعامل سازنده و روبه‌توسعه میان مذاهب را فراهم می‌سازد.

خلاصه طبقه دوم در جدول شماره ۳ آمده است:

جدول شماره ۳: بررسی طبقه تعاملات مذاهب

طبقه	مقوله	مفاهیم کلیدی	نقش در فرایند همگرایی
تعاملات مذاهب	مشارکت مذاهب	گفتمان انقلاب اسلامی، گفتمان مذاهب غرب آفریقا، مشارکت مذاهب، هم گرایی هوشمند	ارتقای تعامل از سطح گفت و گوی نمادین به سطح کنش مشترک دینی - اجتماعی
	مدیریت بحران	کنترل بحران‌ها، بصیرت سیاسی، مدیریت اقتصادی، مدیریت بومی	حفظ روند هم گرایی در شرایط تنش و فشار
	درمان آسیب‌ها	آسیب‌شناسی، رویکرد اقتصادی، مدیریت علمی و فرهنگی	ترمیم شکاف‌ها و ایجاد زمینه برای تعامل پایدار و سازنده

۴. هم‌افزایی مذاهب و برآیند نهایی هم‌گرایی

طبقه سوم با عنوان «هم‌افزایی مذاهب غرب آفریقا» شامل سه مقوله «وحدت»، «تبلیغ قرآنی» و «دیپلماسی مذاهب» است. این طبقه، برآیند نهایی فرایند هم‌گرایی را نشان می‌دهد؛ یعنی جایی که تعاملات مذهبی به هم‌افزایی و تولید قدرت مشترک تبدیل می‌شود.

۴-۱. وحدت

در مقوله «وحدت»، مفاهیمی نظیر «تأکید بر مشترکات مذهبی»، «تعامل و همگرایی با مذاهب»، «قدرت سیاسی و وحدت‌آفرینی مذاهب» برجسته است. یافته‌ها دلالت می‌کند که هم‌گرایی پایدار از سطح همزیستی صرف فراتر رفته و به مرحله‌ای از

همبستگی می‌رسد که در آن، مذاهب مختلف قادر به تولید نوعی قدرت مشترک در برابر تهدیدهای بیرونی می‌شوند. در این چارچوب، تمرکز بر مشترکات اعتقادی و عملی میان مذاهب اسلامی می‌تواند زمینه شکل‌گیری نوعی هم‌سرنوشتی مذهبی در غرب آفریقا را فراهم کند و بستر تقویت همکاری‌های دینی، اجتماعی و حتی سیاسی را مهیا کند.

۲-۴. تبلیغ قرآنی

مقوله «تبلیغ قرآنی» به مثابه یکی از راهبردهای نرم هم‌گرایی، بر تبیین معارف مشترک اسلامی مبتنی بر قرآن و پرهیز از تحریک حساسیت‌های فرقه‌ای تأکید دارد. داده‌ها نشان می‌دهد که استفاده از زبان، مفاهیم و آموزه‌های قرآنی، ظرفیت بالایی برای کاهش سوء تفاهم‌ها و تنش‌های اعتقادی، و تعمیق گفت‌وگوی دینی میان شیعه، اهل سنت و جریان‌های تصوف فراهم می‌کند و می‌تواند به مثابه مبنایی مشترک برای تقویت تعامل و هم‌گرایی میان این مذاهب عمل نماید.

۳-۴. دیپلماسی مذاهب

در مقوله «دیپلماسی مذاهب»، مفاهیمی مانند «همایش‌ها و نشست‌ها»، «دیپلماسی فرهنگی و مذهبی»، «تعامل دیپلماسی با گفتمان مقاومت» و نیز «عنصر ایستادگی» مطرح شده است. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که سطوح رسمی و نیمه‌رسمی تعاملات بین مذهبی - از جمله برگزاری همایش‌ها و نشست‌های علمی و مذهبی، شکل‌گیری شبکه‌های نخبگی و توسعه ارتباطات دیپلماتیک - نقش مهمی در نهاده‌سازی هم‌گرایی میان مذاهب اسلامی در غرب آفریقا ایفا می‌کنند. این سازوکارها امکان ایجاد گفت‌وگوی پایدار، تبادل تجربیات و تقویت اعتماد متقابل میان رهبران و نهادهای مذهبی را فراهم می‌سازند.

همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که دیپلماسی مذهبی می‌تواند الگوی هم‌گرایی را از سطح تعاملات پراکنده و محلی فراتر ببرد و آن را به سطح سیاست‌گذاری و

برنامه‌ریزی راهبردی در نهادهای ملی و حتی فراملی ارتقا دهد. به عبارت دیگر، زمانی که تعاملات مذهبی در قالب دیپلماسی فرهنگی و دینی، سازمان‌دهی می‌شود، ظرفیت آن افزایش می‌یابد تا به ابزاری برای هماهنگی گفتمانی، تقویت هم‌بستگی اسلامی و شکل‌دهی به مواضع مشترک در برابر چالش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شود. در چنین شرایطی، دیپلماسی مذاهب می‌تواند بستر مؤثری برای تثبیت و توسعه الگوی هم‌گرایی میان شیعه، اهل سنت و جریان‌های صوفی در غرب آفریقا فراهم آورد.

خلاصه طبقه سوم در جدول شماره ۴ قابل ارائه است:

جدول شماره ۴: بررسی طبقه هم‌افزایی مذاهب غرب آفریقا

طبقه	مقوله	مفاهیم کلیدی	برایند هم‌گرایی
هم‌افزایی مذاهب غرب آفریقا	وحدت	تأکید بر مشترکات مذهبی، تعامل با مذاهب، قدرت سیاسی، وحدت آفرینی	عبور از همزیستی به هم‌بستگی و تولید قدرت مشترک
	تبلیغ قرآنی	تبیین معارف مشترک قرآنی، پرهیز از تحریک فرقه‌ای	کاهش سوء تفاهم‌ها و تعمیق گفت‌وگوی دینی
	دیپلماسی مذاهب	همایش‌ها و نشست‌ها، دیپلماسی فرهنگی و مذهبی، محور مقاومت	ارتقای هم‌گرایی به سطح سیاست‌گذاری ملی و فراملی

۵. نسبت مدل با شاخص‌های امت‌سازی مهدوی

تحلیل یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد الگوی سه‌سطحی هم‌گرایی مذهبی استخراج‌شده از داده‌های میدانی، علاوه بر تبیین روابط میان تشیع و دیگر مذاهب در غرب آفریقا، قابلیت تفسیر در چارچوب فرایند امت‌سازی در افق مهدوی را نیز دارد. به بیان دیگر، سطوح مختلف این مدل را می‌توان به مثابه مراحل در شکل‌گیری جامعه‌ای هم‌گرا و هم‌بسته درون امت اسلامی تلقی کرد.

جدول شماره ۵: پیوند مدل هم‌گرایی با امت‌سازی مهدوی

سطح مدل	شاخص مهدوی	کارکرد در امت‌سازی مهدوی
انسجام درونی تشیع	تریت نیروهای آگاه، شکل‌گیری هویت دینی مقاوم	ایجاد هسته‌های آگاه در امت اسلامی
تعامل مذاهب	کاهش تعارض مذهبی، تقویت همزیستی اسلامی	زمینه‌سازی وحدت امت اسلامی
هم‌افزایی مذاهب	همکاری برای عدالت، مقابله با جریان‌های تفرقه‌افکن، گسترش پیام قرآن	شکل‌گیری شبکه همکاری میان مذاهب اسلامی

در سطح نخست که به انسجام درونی جامعه تشیع مربوط است، مؤلفه‌هایی مانند تقویت رهبری دینی، تربیت نخبگان و گسترش آموزش‌های دینی و فرهنگی، به شکل‌گیری هویت دینی آگاهانه و پایدار، در میان پیروان تشیع می‌انجامد. در چارچوب امت‌سازی مهدوی، این مرحله معطوف به تربیت نیروهای آگاه و شکل‌گیری هویت دینی مقاوم است؛ به گونه‌ای که هسته‌های فکری و اجتماعی فعال، درون امت اسلامی شکل می‌گیرد و ظرفیت لازم برای کنش‌های جمعی دینی فراهم می‌شود.

سطح دوم الگو به تعامل میان مذاهب اسلامی اختصاص دارد. در این مرحله، گفت‌وگو و همکاری میان شیعه، اهل سنت و جریان‌های صوفی از طریق سازوکارهایی همچون مشارکت اجتماعی، مدیریت تعارض‌ها و رفع آسیب‌های مذهبی تقویت می‌شود. کارکرد اصلی این سطح در افق امت‌سازی مهدوی، کاهش تعارض‌های مذهبی و تقویت همزیستی اسلامی است؛ امری که زمینه لازم برای شکل‌گیری هم‌بستگی میان بخش‌های مختلف امت اسلامی را فراهم می‌کند.

در سطح سوم که به هم‌افزایی مذاهب مربوط می‌شود، تعاملات مذهبی از سطح ارتباط و همکاری محدود فراتر می‌رود و به همکاری فعال و هدفمند در مسائل اجتماعی، فرهنگی و دینی می‌انجامد. در این مرحله، تأکید بر مشترکات اسلامی، استفاده از گفتمان قرآنی و توسعه دیپلماسی مذهبی، بستر شکل‌گیری شبکه‌ای از

بحث

همکاری میان مذاهب اسلامی را فراهم می‌کند. در چارچوب امت‌سازی مهدوی، این سطح با شاخص‌هایی مانند همکاری مذاهب در جهت تحقق عدالت، مقابله با جریان‌های تفرقه‌افکن و گسترش پیام قرآن قابل تبیین است.

براین اساس، مدل هم‌گرایی مذهبی برآمده از داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که فرایند هم‌گرایی در غرب آفریقا، با «انسجام درونی جامعه شیعی» آغاز می‌شود، در مرحله بعد به «تعامل میان مذاهب» می‌انجامد و در نهایت، در قالب «هم‌افزایی و همکاری فرامذهبی» تثبیت می‌شود. چنین فرایندی می‌تواند به مثابه چارچوبی تحلیلی برای فهم مسیر شکل‌گیری امت هم‌گرا و هم‌بسته در افق جامعه مهدوی مورد استفاده قرار گیرد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که راهبردهای هم‌گرایی تشیع با دیگر مذاهب در غرب آفریقا را می‌توان در قالب مدلی سه‌سطحی متشکل از ۳ طبقه، ۸ مقوله و ۳۱ مفهوم تبیین کرد. این مدل، تصویری میدانی و درعین حال راهبردی از سازوکارهای شکل‌گیری هم‌گرایی مذهبی در این منطقه ارائه می‌دهد. اهمیت این الگو در آن است که تنها به توصیف وضعیت روابط مذهبی محدود نمی‌شود، بلکه ظرفیت آن را دارد که به مثابه چارچوبی تحلیلی برای فهم فرایند امت‌سازی اسلامی و طراحی سیاست‌های فرهنگی و مذهبی مورد استفاده قرار گیرد. از این منظر، مسئله اصلی آن است که این الگوی هم‌گرایی چگونه می‌تواند در مسیر شکل‌گیری امت اسلامی هم‌گرا با آرمان‌های مهدوی، به‌ویژه در سطح هم‌افزایی مذاهب، ایفای نقش کند.

نخستین نتیجه مهم پژوهش آن است که فرایند هم‌گرایی مذهبی در غرب آفریقا، روندی تدریجی و مرحله‌ای دارد که از سامان درونی جامعه تشیع آغاز می‌شود و در نهایت، به هم‌افزایی میان مذاهب اسلامی می‌انجامد. در سطح نخست که به ساختار جامعه تشیع مربوط می‌شود، مؤلفه‌هایی مانند رهبریت دینی، مرجعیت علمی، تربیت نخبگان و تقویت ظرفیت‌های فرهنگی و اقتصادی نقش اساسی دارند. وجود رهبری

بومی متصل به مرجعیت دینی و شکل‌گیری نهادهای آموزشی و فرهنگی، زمینه سازمان‌یافتگی جامعه شیعی را فراهم می‌کند و آن را از جمعیتی پراکنده به مجموعه‌ای دارای هویت و انسجام اجتماعی تبدیل می‌سازد. چنین ساختاری امکان ایفای نقش فعال‌تر در تعاملات مذهبی و اجتماعی را فراهم می‌کند و بستر لازم برای توسعه روابط میان‌مذهبی را به وجود می‌آورد. در چارچوب امت‌سازی مهدوی نیز این مرحله را می‌توان مرحله شکل‌گیری هسته‌های آگاه و سازمان‌یافته درون امت اسلامی دانست؛ هسته‌هایی که توانایی انتقال گفتمان عدالت‌خواهی، ظلم‌ستیزی و مسئولیت اجتماعی را در بسترهای مختلف فرهنگی و اجتماعی دارند.

سطح دوم مدل به تعاملات میان مذاهب اختصاص دارد. در این مرحله، روابط میان مذاهب از سطح گفت‌وگوهای نظری و محدود فراتر می‌رود و به همکاری‌های اجتماعی و فرهنگی نزدیک می‌شود. مقولاتی مانند مشارکت مذاهب، مدیریت بحران و درمان آسیب‌های اجتماعی و مذهبی نشان می‌دهد که هم‌گرایی پایدار فقط در صورتی شکل می‌گیرد که سازوکارهایی برای مدیریت اختلاف‌ها و کاهش تنش‌های مذهبی وجود داشته باشد. تعامل میان شیعه، اهل سنت و جریان‌های صوفی در غرب آفریقا، زمانی به نتایج پایدار می‌انجامد که از سطح گفت‌وگوهای نمادین عبور کند و به مشارکت‌های عملی در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی برسد. در این چارچوب، توجه به مدیریت بحران‌های فرقه‌ای، ارتقای بصیرت سیاسی و رسیدگی به عوامل اجتماعی و اقتصادی تنش‌ها، نقش مهمی در پایداری روند هم‌گرایی ایفا می‌کند. در افق امت‌سازی مهدوی، این سطح مرحله‌ای است که در آن امت اسلامی از وضعیت پراکندگی مذهبی به‌سوی نوعی همزیستی و همکاری میان‌مذهبی حرکت می‌کند و زمینه‌های شکل‌گیری جبهه‌ای مشترک در برابر چالش‌های مشترک فراهم می‌شود.

سطح سوم مدل یعنی هم‌افزایی مذاهب، مرحله پیشرفته هم‌گرایی مذهبی را نشان می‌دهد. در این سطح، تعامل میان مذاهب به همکاری‌های پایدار و شبکه‌ای تبدیل می‌شود و ظرفیت‌های متنوع مذهبی در قالب کنش‌های مشترک دینی، فرهنگی و

اجتماعی به یکدیگر پیوند می‌خورند. تأکید بر مشترکات اعتقادی، استفاده از مفاهیم و آموزه‌های قرآنی به مثابه زبان مشترک و گسترش ارتباطات میان نخبگان مذهبی، زمینه شکل‌گیری نوعی هم‌بستگی گسترده در میان مذاهب اسلامی را فراهم می‌کند. چنین وضعیتی موجب می‌شود جوامع اسلامی این منطقه از حالت مجموعه‌ای پراکنده از گروه‌های مذهبی خارج شوند و به شبکه‌ای همسو از کشگران دینی و اجتماعی نزدیک شوند که توان تولید قدرت اجتماعی و فرهنگی مشترک را دارند. در چارچوب امت‌سازی مهدوی، این مرحله را می‌توان مرحله‌ای دانست که در آن همکاری میان مذاهب در جهت اهداف مشترکی مانند عدالت، مقابله با جریان‌های تفرقه‌افکن و گسترش پیام قرآن شکل می‌گیرد و زمینه تحقق نوعی هم‌گرایی فراگیر درون امت اسلامی فراهم می‌شود.

نتیجه‌گیری

براین اساس، مدل سه‌سطحی هم‌گرایی نشان می‌دهد که امت‌سازی اسلامی فرایندی تدریجی و چندمرحله‌ای است که از انسجام درونی جامعه‌های دینی آغاز می‌شود، از مسیر تعامل و مشارکت میان مذاهب عبور می‌کند و در نهایت، به هم‌افزایی و همکاری گسترده میان بخش‌های مختلف امت اسلامی می‌انجامد. این روند نشان می‌دهد که تحقق وحدت اسلامی، نه از طریق حذف تفاوت‌های مذهبی، بلکه از طریق مدیریت این تفاوت‌ها و جهت‌دهی آن‌ها در راستای اهداف مشترک دینی و انسانی امکان‌پذیر است.

نتایج پژوهش همچنین دلالت‌های مهمی برای سیاست‌گذاری فرهنگی و مذهبی در غرب آفریقا دارد. نخست آنکه، برنامه‌های فرهنگی و تبلیغی در این منطقه باید از تمرکز صرف بر گسترش کمی پیروان یک مذهب فراتر رود و بر تقویت ساختارهای درونی جوامع دینی، تربیت نخبگان بومی، توسعه نهادهای آموزشی و فرهنگی و ارتقای ظرفیت‌های اجتماعی و اقتصادی تمرکز یابد. دوم آنکه، تعامل با دیگر مذاهب اسلامی، به‌ویژه اهل سنت و جریان‌های صوفی، لازم است از سطح گفت‌وگوهای محدود فراتر

رود و در قالب مشارکت‌های راهبردی، برنامه‌های مشترک فرهنگی و سازوکارهای مدیریت بحران‌های مذهبی سازمان‌دهی شود. سوم آنکه، بهره‌گیری از گفتمان قرآنی مشترک، تقویت ارتباطات میان نخبگان مذهبی و توسعه دیپلماسی مذهبی می‌تواند به مثابه ابزارهای مؤثر در تقویت هم‌گرایی و گسترش همکاری‌های میان‌مذهبی مورد توجه قرار گیرد.

در جمع‌بندی، یافته‌های این پژوهش از منظر تأکید بر ضرورت تعامل با جریان‌های صوفی و اهل سنت با آثار هاشمی‌نسب و همکاران (۱۳۹۰) و هیسکت (۱۳۶۹)، توجه به انسجام درونی جامعه شیعه با پژوهش سیدمرادی (۱۳۹۹) و اهمیت مشترکات قرآنی و گفت‌وگوی مذهبی با مطالعات احمدی (۱۴۰۲) و لاپیدوس (۱۳۸۷) هم‌سو و هم‌پوشان است. با این حال، وجه ممتاز و نوآورانه این مطالعه در سه بُعد قابل شناسایی است: نخست، ارائه یک مدل فرایندی و سه‌سطحی یکپارچه که برخلاف نگاه تک‌بعدی پژوهش‌های پیشین، مسیر هم‌گرایی را از «ساختار درونی» به «تعامل» و سپس «هم‌افزایی» به صورت تدریجی و مرحله‌ای تبیین می‌کند؛ دوم، پیوند نظام‌مند این مدل برآمده از میدان با افق هنجاری «امت‌سازی مهدوی» که در مطالعات موجود نظیر هاشمی‌نسب و همکاران (۱۳۹۰) و حسینی (۱۳۹۱) مغفول مانده است و به آن بُعدی راهبردی و گفتمانی می‌بخشد؛ و سوم، بهره‌گیری از روش تحقیق کیفی و مصاحبه‌های میدانی با نخبگان بومی که در تقابل با رویکردهای عمدتاً تاریخی - توصیفی یا کتابخانه‌ای آثار پیشین، یافته‌ها را بر پایه واقعیت‌های زیسته کنشگران منطقه استوار می‌کند و مفهوم «هم‌افزایی» را به مثابه جایگزینی عملیاتی برای مفهوم کلیشه‌ای «وحدت» برجسته می‌سازد. به طور خلاصه، این پژوهش پازل‌های پراکنده مطالعات پیشین را در چارچوبی منسجم، تحلیلی و غایت‌محور سازمان می‌دهد.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که راهبردهای هم‌گرایی تشیع با دیگر مذاهب در غرب آفریقا، در صورتی که در چارچوب این مدل سه‌سطحی سامان یابد، می‌تواند از سطح تعاملات محدود مذهبی فراتر رود و به الگویی عملی برای تقویت هم‌بستگی اسلامی در مقیاس منطقه‌ای تبدیل شود. چنین الگویی از یک سو بر

واقعیت‌های اجتماعی و مذهبی منطقه استوار است و از سوی دیگر با افق نظری امت
واحد و جامعه مهدوی سازگاری دارد؛ از این رو می‌توان آن را چارچوبی تحلیلی برای
فهم و تقویت فرایندهای هم‌گرایی مذهبی و حرکت تدریجی به سوی شکل‌گیری امت
اسلامی هم‌گرا در نظر گرفت.

فهرست منابع

- ابن ابی شیبه، عبدالله. (۲۰۰۶). المصنف (به کوشش محمد بن عبدالله اللحیدان). ریاض: دارالتیمیمی للنشر.
- ابن حبان، محمد. (۱۹۹۳). صحیح ابن حبان (به کوشش شعیب ارنؤوط). بیروت: مؤسسه الرساله
- ابن ماجه قزوینی، محمد. (۲۰۰۷). سنن ابن ماجه (به کوشش محمد فؤاد عبدالباقي). بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابوداود سجستانی، س. (۲۰۰۹). سنن ابی داود (به کوشش ی. الحاج احمد). بیروت: دارالفکر.
- احمد بن حنبل. (۲۰۰۱). مسند امام احمد بن حنبل (به کوشش شعیب ارنؤوط). بیروت: مؤسسه الرساله.
- احمدی، سید محمد. (۱۴۰۲). راهبردهای همگرایی تشیع و دیگر مذاهب در غرب آفریقا (استاد راهنما: سید ابوالحسن نواب). پایان نامه دکتری، دانشگاه ادیان و مذاهب، دانشکده مذاهب اسلامی، گروه مذاهب اسلامی.
- اتحاد علماء (تحت اشراف لجنه تقصى الحقائق بمجلس الأمناء). (۲۰۱۱م). التشیع فی افریقیا (تقریر میدانی). بی‌جا: مرکز بین‌المللی لجنه تقصى الحقائق.
- پورطاهری، مهدی. (۱۳۸۸). اولویت‌بندی جایگاه کشورهای آفریقایی در سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران با استفاده از تکنیک‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه. پژوهشنامه آفریقا، ۱(۱)، صص ۱۱-۲۸.
- ترمذی، محمد. (۲۰۰۷). سنن ترمذی (به کوشش احمد شاکر). بیروت: دارالکتب العلمیه.
- حاکم نیشابوری، محمد. (۱۹۹۰). المستدرک علی الصحیحین (به کوشش مصطفی عبدالقادر عطا). بیروت: دارالکتب العلمیه.
- حاتمی، محمدرضا. (۱۳۹۰). چالش‌های فراروی گسترش دین اسلام در آفریقا. دانش سیاسی، ۱۵(۱)، صص ۹۹-۱۲۵.

- حسینی، سیده مظهره. (۱۳۹۱). شیعیان و فرصت‌ها و چالش‌های حضور آنان در آفریقا. شیعه‌شناسی، ۱۰ (۳۸)، صص ۱۴۶-۱۰۷.
- سیدمرادی، سید احمد. (۱۳۹۹). شیعه در آفریقا؛ وضعیت‌شناسی و روند گسترش. قم: انتشارات مجمع جهانی اهل‌بیت.
- سیوطی، جلال‌الدین. (۱۹۸۱). الجامع الصغیر فی أحادیث البشیر النذیر. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- طبرانی، سلیمان. (۱۹۸۳). المعجم الکبیر (به کوشش حمدی عبدالمجید سلفی). موصل: مکتبه العلوم والحکم.
- کوک، ژوزف. (۱۳۷۳). مسلمانان آفریقا (مترجم: اسدالله علوی). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- لاپیدوس، ایرام. (۱۳۸۷). تاریخ جوامع اسلامی (مترجم: علی بختیاری‌زاده). تهران: انتشارات اطلاعات.
- لویتزیون، نهمیا؛ پولز، رندال. (۱۳۹۶). تاریخ اسلام در آفریقا (مترجمان: محمدرضا محمدی شکبیا و سید علی جلال‌زاده و محمدحسن ایپکچی). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. اثر اصلی منتشر شده در سال ۲۰۰۰.
- مبیتی، جان اس. (۱۳۸۳). ادیان و فلسفه آفریقایی (مترجم: مرضیه شنکایی). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مرتضی، محمدحسین. (۱۳۸۶). الولاء الحقیقی فی الشعب الافریقی. بیروت: مؤسسه البلاغ.
- متقی هندی، علاء‌الدین علی. (۱۴۱۹ق). کنز العمال فی سنن الاقوال و الأفعال. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- هاشمی‌نسب، سید سعید. (بی‌تا). آینده شیعیان غرب آفریقا؛ چالش‌ها و فرصت‌ها. تهران: معاونت پژوهشی مجمع جهانی اهل‌بیت علیه‌السلام.
- هاشمی‌نسب، سید سعید؛ عصمتی، حسن؛ هاشمی، محمد صدر؛ و عروج‌نیا، پروانه. (۱۳۹۰). تصوف در شمال آفریقا. تهران: مؤسسه بین‌المللی الهدی.

هیسکت، مروین. (۱۳۶۹). گسترش اسلام در غرب آفریقا (مترجمان: احمد نمایی و محمدتقی اکبری). مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

Ahmadi, S. M. M. (2023). *Strategies for the convergence of Shi'ism with other schools of thought in West Africa* [Doctoral dissertation, University of Religions and Denominations]. Faculty of Islamic Denominations.

Charmaz, K. (2014). *Constructing grounded theory* (2nd ed.). Los Angeles: CA: Sage Publications.

Cook, J. (1994). *Muslims of Africa* (A. Alavi, Trans.). Mashhad: Astan Quds Razavi Publishing.

Creswell, J. W., & Poth, C. N. (2018). *Qualitative inquiry and research design: Choosing Among Five Approaches* (4th ed.). Los Angeles: CA: Sage Publications.

Hatami, M. R. (2011). Challenges facing the spread of Islam in Africa. *Journal of Political Science*, 1(15), pp. 99-125.

Hosseini, S. M. (2012). Shi'as and the opportunities and challenges of their presence in Africa. *Journal of Shi'a Studies*, 10(38).

Leichtman, M. A. (2022). Ngo-ization as legitimization: The 'engineering' of a Senegalese Shi'i Islamic development model. *Islamic Africa*, 13(2), pp. 182-219. <https://doi.org/10.1163/21540993-01302005>.

Murtaza, M. (2023). *There is no strategy regarding activities in Africa/Consequences of lack of unity among Shiites in Africa: Murtaza Murtaza*. AhlulBayt News Agency (ABNA). <https://en.abna24.com/story/1426020>

Seyyedmoradi, S. A. (2020). *Shi'a in Africa: Situational analysis and expansion trends*. Qom: AhlulBayt World Assembly Publishing.

Strauss, A., & Corbin, J. (1998). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory* (2nd ed.). Thousand Oaks: Sage Publications.

- Umar, M. S., & Woodward, M. (2020). The Izala effect: Unintended consequences of Salafi radicalism in Indonesia and Nigeria. *Contemporary Islam*, 14(1), pp. 49-73. <https://doi.org/10.1007/s11562-019-00441-y>.
- Yavuz, H. (2025). Afrika'da İslâm'ın yayılmasında hac yolculuklarının etkisi [The effect of Hajj journeys on the spread of Islam in Africa]. *Bitlis İlahiyat Dergisi*, (14) .pp. 71-87.